مروری بر نقش موثر مرحوم هادی نخعی بنیانگذار تدوین تاریخ مکتوب دفاع مقدس

گشودن راه از انبوه بی راهه ها

مجید نداف
راوی و پژوهشگر تاریخ جنگ

تعیین اهداف، شیوه گردآوری، روش تدوین و متدلوژی تاریخ‌نگاری جنگ عراق علیه ایران، مدیون مرحوم هادی نخعی است، شاهد این مدعا مقایسه سپاه با ارتش در این زمینه است. ما در جنگ، این شیوه و روش را در ارتش نمی بینیم. اگر از ابتدای بحران‌های داخلی و منطقه‌ای و سپس در جنگ تحمیلی، سپاه پاسداران به شیوه‌های روایتگری دست پیدا کرد، به کمک الهامات آقای دکتر نخعی و سپس اجرایی کردن آن توسط مرحوم ابراهیم حاج محمدزاده است.

اوایل سال ۵۹ گزارشی تهیه شد زیر نظر ایشان از ماجرای روستای قارنا در ناحیه کردنشین که وقتی در بولتن داخلی سپاه «رویدادها و تحلیل‌ها» چاپ شد، بعضی گفتند این گزارش را «امتی‌ها» نوشته‌اند! چون رویکرد ایشان بسیار جدی، غیراحساسی و غیرتبلیغاتی بود حتماً آنها انتظار داشتند که از یک طرف درگیری حمایت شود. شاید از آنجا در ذهن او و همکاران جرقه زد که باید تلاش بیشتری برای ثبت و ضبط دقیق وقایع انقلاب اسلامی انجام شود و در مناطق حساس حضور داشته باشیم.

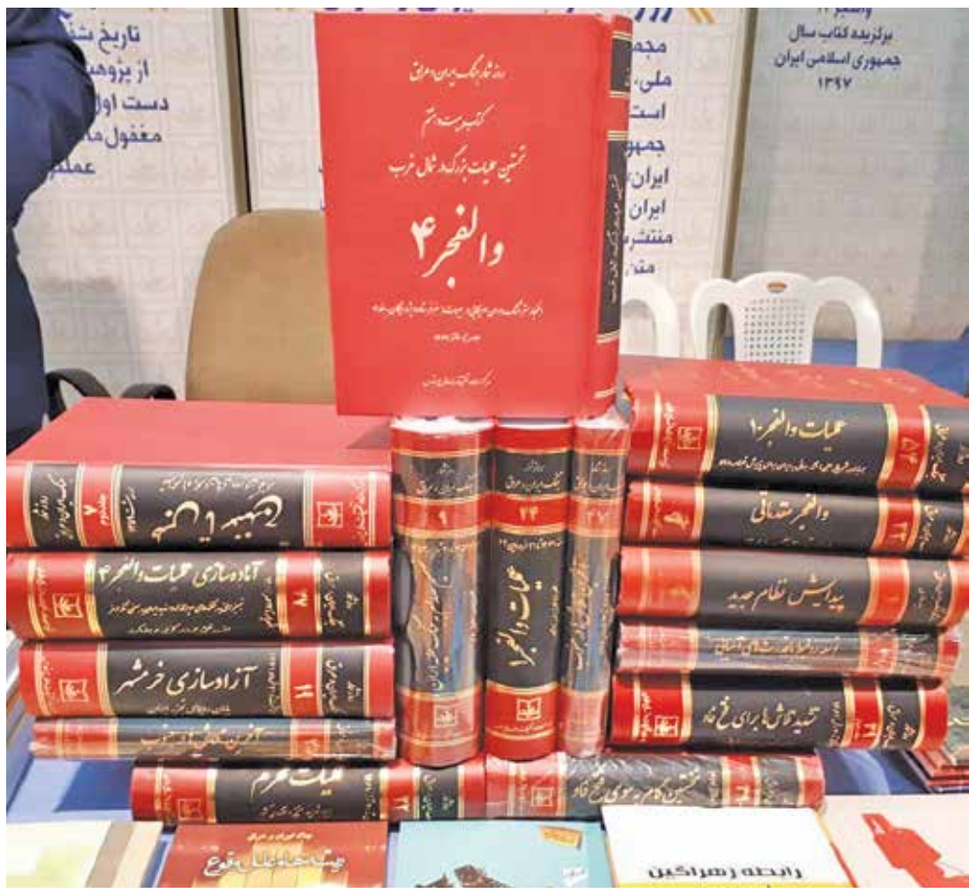

■ **دشواری آموزش راویان ناهمگون**

بسیاری از گزارش‌هایی که از مناطق بحرانی و پس از آن در زمان جنگ تهیه شد، اغلب از زیر دست آقای نخعی می‌گذشت و با مناعت طبع او به صورتی فنی و هر طور شده از آب و گل در می‌آمد. او در سامان دادن به آثار، چنان استادی به خرج می‌داد که انگار ترم‌های درسی روش تحقیق در علوم اجتماعی را آموخته است؛ در حالی که ایشان فارغ‌التحصیل دانشگاه پلی تکنیک و مهندس نساجی بود. او طیف وسیعی از همکاران و راویان که آنها نیز از تخصص لازم دور بودند از دیپلمه گرفته تا دانشجو، راننده تاکسی، طلبه، نیروهای کادر و بسیجی، با همه سر و کله می‌زد، توجیه شان می‌کرد و دلداری شان می‌داد. این هنرمندی کار بسیار سختی بود که فقط از عهده آن استاد برمی‌آمد.

■ **قلم به جای تفنگ، در اوج احساسات**

یکی از گرفتاری‌های مجموعه راویان جنگ این بود که در اوج کشتار و آتش و خون و دود و احساس، همه ترجیح می‌دادند بروند در گردان‌ها خدمت کنند. راحت‌ترین راه این بود. آقای نخعی جهت تعدیل این احساسات خیلی سختی کشید. از یک طرف هم باید آنها را کنترل می کرد و به هر شکلی که شده، راویان را حفظ می‌کرد و هم خودش بسیار داغ بود و اگر فرصت می یافت، خودش نیز پر می‌کشید، با اینکه همواره از نداشتن یک کلیه رنج می‌برد. دوستان مستعد را به زور از گردان‌ها می‌کشید بیرون که: «این‌جا جای شما نیست، هستند کسانی که تفنگ دستشان بگیرند و بجنگند. تاریخ انقلاب اسلامی و در ادامه آن، تاریخ جنگ زمین مانده و ما وظیفه داریم حماسه همین رزمندگان و تاریخ این رخدادها را به آیندگان منتقل کنیم.»

■ **تأکید بر مشاهده از نزدیک**

رویکرد استاد در روایتگری جنگ، مخالفت با حدس و گمان و تردید بود. حالا به تسامح، اسمش را می‌گذاریم شیوه پوزیتیویستی! تأکید ایشان بر لمس کردن ماجرا و حوادث بود که قبل از عملیات برویم در یگان‌ها و کنار فرماندهان تا قبل از عملیات با آنها مصاحبه و محیط از نزدیک ارزیابی شود. این مصاحبه‌های قبل و بعد از عملیات با هم مقایسه و تطبیق داده می‌شدند که خلاف واقع گزارش نشوند. چه قبل از عملیات و چه بعد، ایشان اصرار داشت که ما حدس و گمان‌ها را کنار بگذاریم و متکی بر واقعیت‌ها، تمرکزمان بر اتفاقاتی باشد که واقعاً در صحنه رخ داده است. فلذا او مخالف فرمانده‌محوری بود و با تأسی از این رویکرد، جنگ را از نگاه فرماندهان ننوشت و شاگردان او نیز نخواهند نوشت. در عین حال و با کمال تأسف این برچسبی بود که برخی به تاریخ‌نگاری دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ زدند و درواقع جفایی بود که علی الخصوص به آقای دکتر نخعی صورت گرفت. زیرا آن مرحوم تمام سعی و تلاشش این بود که این اتفاق نیفتد و ما فقط متعهد به خون شهدا و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشیم. خوشبختانه یادداشت‌های آقای نخعی در جزوه‌های آموزشی و آموزه های او در جلسات توجیهی قبل از عملیات که ضبط شده هنوز هست، مرتب تأکیدشان بر این است که باید بروید خودتان را به واقعه نزدیک کنید و در اوج خشونت‌ها و بمباران‌ها قلم و ضبط صوت در دست تا می‌توانید در متن حوادث قرار بگیرید و تا حد ممکن باید روحیه عملگرایانه آنها را تحمل کرد، ولیکن با عینک مستقل از آنها به حوادث و وقایع اتفاقیه نگاریست. برای اینکه چیزی از قلم نیفتد، با مشاهده‌نویسی و مکالمات همراه با فرماندهی، شش دانگ حواسمان به تواتر اخبار و تبادل اطلاعاتی باشد که نوعاً اهم آنها حول و حوش فرمانده به وقوع می‌پیوست. طبعاً فرماندهان اصلاً مایل نبودند چنین کسی را در کنارشان داشته باشند. لذا بعضاً اذیت می‌کردند و با تحت فشار قرار دادن راویان، سعی می‌کردند کاری کنند که آنها خودشان اصطلاحاً ببرند و صحنه را ترک کنند. تحمل این وضعیت و ناملایمات روحی، همه به خاطر انگیزه‌هایی بود که آقای نخعی تزریق می‌فرمود. اینکه در مراسم گرامیداشت او منهای یکی دو نفر سایر فرماندهان محترم شرکت نجستند و ادای احترام شایسته نکردند، ثابت می‌کند استادمان، واقعاً نگاهش، فرمانده محور نبوده است.

■ **هم اهل مناسک، هم ضد تحجر**

استاد نخعی شاگردان خود را بشدت از خصیصه دیگری پرهیز می‌داد و آن رویکرد متحجرانه نسبت به آرمان‌های دفاع مقدس بود. به رغم اینکه او یک روشنفکر متعهد بود، اما سنت‌گرا و اهل مناسک و اهل ذکر بود، به ما آموخت که در حاشیه وظایفمان مراقب باشیم اباطیل و شعارهای مصنوعی به خورد بچه‌های مردم داده نشود. عادت ایشان این بود که بعد از هر عملیات، در تنگاتنگ ما می‌آمد و گویا دست ما را می‌گرفت و روی کاغذ می‌آورد که چگونه بنویسیم. به خاطر دارم در یک گزارش آورده بودم که اسم رمز عملیات را یا فاطمه زهرا سلام‌الله علیها گذاشته‌اند، گفت در منطقه‌ای که ما داریم می‌جنگیم، این انتخاب، شائبه جنگ فرقه‌ای ایجاد می‌کند! یا شده بود که نقشه را می‌گذاشتیم تا مانور و عملیات را توضیح دهیم، یکباره می‌گفت: «کار غلطی است، اسم این معبر را گذاشته اند فلان نام مبارک بزرگان دین». ببینید این اندیشمند تا کجا را می‌دید! اصلاً کسی در آن جو و فضا به این ملاحظات نمی‌پرداخت! و خیلی جسارت می‌خواست که در اوج احساسات دینی و آرمان‌گرایانه آن زمان، آقای نخعی از این حرف‌های جدی بزند. استاد در سال ۶۱ سفری به کردستان داشت. در مسافت سنندج تا مهاباد ایشان خیلی اذیت شد. ولی وقتی خدمت مرحوم شهید محمد بروجردی رسیدیم و توفیق مصاحبت با آن بزرگوار را پیدا کردیم، کیف کرده بود و به مرحوم شهید هادی درودیان که راوی ثابت بروجردی بود، تأکید داشت که ببینید، قبل از اینکه بخوابد، قرآن می‌خواند و باید روی این رفتارهای معنوی نیز دقت داشته باشید. بنابراین آموزه‌های او فقط شامل شرح وظایف کاری نمی‌شد، بلکه بعد اخلاقی هم داشت. در ماه مبارک رمضان بارها دیده بودیم که ایشان سر در قرآن داشت. روزه نمی‌توانست بگیرد، ولی جلوی دیگران با اینکه باید مایعات می‌خورد، سعی می‌کرد چیزی نخورد. در دوران نقاهت، دوستی می‌گفت: حتی در استخر هم که در آب قدم می‌زد، ذکر می‌گفت.

■ **تحقیق میدانی همراه با ریاضت**

به‌هرحال راویان مأموریت غیرعملیاتی برعهده داشتند و خود را به مجموعه نیروهای نظامی و عملیاتی تحمیل کرده بودند، از این‌رو اصرار داشت که عافیت‌طلب نباشیم. هنوز بعضی از دوستان از برخوردهای سختگیرانه ایشان رنجورند، ولی واقعیت این بود که کار ما بدون ریاضت انجام‌پذیر نبود. خودش نیز سختی می‌کشید، کمتر می‌خوابید و کمتر می‌خورد. حتی در تهران او به‌مثابه یک رزمنده در خط، خدمت می‌کرد و رنج می‌کشید. پس از انجام عملیات قادر برای تهیه گزارش سریع و تعجیلی، گروه تحریریه زیر نظر ایشان، نه از باب تصنع یا شعار ،که اصلاً از سر درد و بی‌خوابی، نمی‌توانستیم روی پا بایستیم؛ جملگی دستمال با گره محکم به سرمان بسته بودیم که سردردمان ذره‌ای کاهش پیدا کند. در این زمان او یک کارگاه عجیبی به راه انداخته بود. گزارش باید برای حضرت امام(ره) و سران قوا و فقط به تیراژ ۵ نسخه آماده می‌شد. شب و روز پاراگراف به پاراگراف، ورق به ورق می‌نوشتیم و تحویل استاد می‌دادیم. او یک دستی به سر و رویش می‌کشید و تمام، می‌رفت برای تایپ.

■ **میزان تأثیرات دکتر نخعی بر آثار جنگ**

بجز کتاب‌های سیری در جنگ ایران و عراق، نقش مستقیم و تأثیرگذار دکتر نخعی بر تمام آثار و کتب مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سایه افکنده است! آثاری که بعید می‌دانم اشکالاتی جدی داشته باشند زیرا مبتنی بر واقعیات و مستندات جنگ هستند، بدون هیچ‌گونه شخصیت‌محوری، فرمانده‌محوری و صنف‌محوری. اساساً خصلتی که در آقای نخعی وجود نداشت همین تعصبات صنفی بود. برخی از آثار ارزشمند، نام او را با خود به همراه دارند، اما تألیفاتی از او هستند که در آنها نامی از ایشان قید نشده! زیرا او ویژگی سخاوتمندانه‌ای داشت. کمتر استادی این گونه است. کما اینکه بعضاً مشاهده می شود برخی از استادان دانشگاه‌ها از دانشجویانشان بیگاری می‌کشند، بدون اینکه اسمی از آنها در اثر نهایی وجود داشته باشد. برعکس بود! دکتر نخعی شاگردانش را می‌کشید در میدان، سپس آنها را به قلم‌زدن وا می‌داشت و سطور و حفره های خالی را به قلم توانمندش پر می‌کرد، بدون اینکه طمعی داشته باشد، نام و شهرتش برای دیگران باقی می‌ماند. درفصلنامه نگین ایران شماره ۱۳ (از انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس) بسیاری از عبارات پرمغز و بدیع برای آقای نخعی است ولی بنا به ملاحظاتی اسمی از ایشان نیست؛ در مقاله روش تاریخ‌نگاری جنگ در سپاه از عبارت‌ها می‌فهمید که نوشته، از یک آدم پخته و جامعی مثل دکتر نخعی بر می‌آید. روش و متدلوژی او را باید مدون کرد تا بلکه در پی سال‌ها تجربه فاصله‌مان را با ایشان کمتر بکنیم. آنها را مکتوب کنیم تا دیگران نیز استفاده کنند.

> استاد نخعی شاگردان خود را بشدت از خصیصه دیگری پرهیز می‌داد و آن رویکرد متحجرانه نسبت به آرمان‌های دفاع مقدس بود. به رغم اینکه او یک روشنفکر متعهد بود، اما سنت‌گرا و اهل مناسک و اهل ذکر بود، به ما آموخت که در حاشیه وظایفمان مراقب باشیم اباطیل و شعارهای مصنوعی به خورد بچه‌های مردم نشود. عادت ایشان این بود که بعد از هر عملیات، در تنگاتنگ ما می‌آمد و گویا دست ما را می‌گرفت و روی کاغذ می‌آورد که چگونه بنویسیم

■ **سایرویژگی‌های استاد**

به‌رغم اینکه آقای نخعی در رشته مهندسی تحصیل کرده و از نظر درک و فهم و سواد و شرایط سنی فاصله‌اش با دیگران و شاگردانش زیاد بود، ولی آنچه در سال ۶۰ در زمان شروع فعالیت راویان جنگ در قالب جزوات آموزشی مدون کرد و این آموزگار به ما آموخت، بسیار شبیه تکنیک‌های خاص تحقیق بود. یافته هایی که ساعت‌ها واحدهای درسی متعدد لازم است که یک دانشجوی علوم اجتماعی باید طی کند. اینکه چگونه و چقدر خودمان را به موضوع نزدیک و مشاهده‌نویسی توأم با مشارکت و... کنیم، نت برداریم، چگونه و چه وقت ضبط کنیم، از فروع بیشتر به اصل موضوع بپردازیم و در کمترین بعد زمان و فاصله، وقایع را ثبت کنیم و در نهایت چگونه فهرست عناوین و فیش‌های مورد نیاز را تدوین و تهیه کنیم و... با این حال به قدری صمیمانه می‌آموخت و متواضعانه افراد را در کنارش می‌پذیرفت که مایل بود او را هادی صدا کنند. دکتر نخعی نه تنها در نوشتن از سرعت عمل بالایی برخوردار بود بلکه تندخوانی زیادی داشت. لذا از کمترین اوقات بیشترین بهره را می‌گرفت. در نوشتن نیز، قلم اول را بیشتر به محتوا اهمیت می‌داد تا قواعد دستوری و ادبی، لذا بسیار سریع، معانی و مفاهیم موجود در ذهنش را روی کاغذ می‌آورد و با سلیقه خاص و مهارت شگرفی روی متون تیترگذاری نموده، برای آن اهمیت فراوانی قائل بود. در جلسات توجیهی چنان راحت و سلیس به شاگردانش می‌آموخت که ترس را از روبه‌رو شدن با مهیج‌ترین و حساس‌ترین موضوعات و انشاها می‌ریخت و اعتماد به نفس را میان آنها افزایش می‌داد.او می‌دانست کدام راوی و کدام نیرو را بگذارد برای کدام یگان. البته دوستان دیگر هم در این راه کمک می‌کردند ولی آن کسی که به سازماندهی محتوایی راویان سر و سامان می‌داد، دکتر نخعی بود.

■ **پرهیز از گزافه و اجحاف!**

محقق عقلگرا و واقع‌گرایی مثل او تلاشش بر این بود که حوصله به خرج دهد، بیشتر بخواند و برای رسیدن به کنه حوادث به‌دنبال اسناد موثق بگردد و در نوشتن از سطح به عمق و از کل به جزء برود. نه تنها درباره دوستان و وفاداران انقلاب و جلوبرندگان جنگ گزافه ننویسد، بلکه ذره‌ای علیه دشمنان اجحاف روا مدارد.

درباره تروریسم مجاهدین خلق، ایشان سه جلد کتاب نوشت که هنوز ناب است و دست اول. بنده می‌دانم که او چقدر سختی کشید تا همه منابع مورد نیاز را ببیند، حتی اسناد خانه‌های تیمی منافقین را که به‌صورت کشف و رمز و نامنظم در کاغذهای پنیری و کم‌رنگ و ریز نوشته شده بود. در مطالعه و تحقیقاتش حرف اول را عقل و شعور سیاسی بالایش و سپس ژرف اندیشی و واقع نگری اش می‌زد. با این حال، او در نگین ۱۳ می‌نویسد: «ما تاریخمان تاریخ عقلی است، آن هم عقل مبتنی بر وحی، نه عقل اومانیستی و غربی.» او در آن زمان وقتی به چنین اظهارنظری می‌پردازد، بخوبی از رابطه عقل و وحی و شرع آگاه است و به نظریات جدید آشناست و معنا و مفهوم عقل مدرن و عقل خودبنیاد را درک کرده و به دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه درباره عقلانیت ابزاری و پست مدرن تسلط دارد.

چنین شخصیتی، این جنبه‌ها و حساسیت‌ها را در تحقیق لحاظ کرد که بدون تردید اگر راویان جنگ او را کنار خود نداشتند دستاوردهایی مثل کتب: خرمشهر در جنگ طولانی، نبرد فاو، نبرد الامیه و روزشمارهای جنگ و... بیرون نیامده و تولید نمی‌شدند؟

■ **قالب توصیفی-تحلیلی روایت جنگ**

استاد نخعی در حوزه مطالعات جنگ تحمیلی، در قالب توصیفی-تحلیلی موضوعات مختلف را مورد بررسی قرار می‌داد. در بخش توصیفی او بجا و بخوبی می‌دانست که چطور باید حساسیت‌های خواننده را در نقاطی تحریک کند که مخاطب تا مرز و در بخش تحلیلی همراه نویسنده شود بدون اینکه معیارهای اصولی‌اش مخدوش شود. او در بخش توصیفی با روش‌شناسی مشخص و تعریف‌شده قدم به قدم با راویان جلو می‌آمد و در نقاطی انگشت می‌گذاشت که فکر دیگران به آن خطور نمی‌کرد. وقتی در توضیح متن یا در جلسات نکاتی بیان می‌شد که در نظر اول سطحی و شعاری می‌آمد، مکث می‌کرد و بعد از مدتی تأمل، سؤال می‌کرد که چرا این واقعه مهم را در گزارش نیاورده‌ای!؟ به‌عنوان مثال در جریان تدوین یک گزارش که به سرپرستی و ویراستاری شکلی و محتوایی ایشان انجام می‌شد، یکی از مشاهداتم را برای ایشان تعریف کردم:...وقتی نفرات یک گردان از لشکر۸ برای عزیمت به نقطه رهایی در دره و بستر کوه به ستون یک در حرکت بودند، برخلاف بقیه، فرمانده گردان بدون سلاح و تجهیزات کنار ستون گردان می‌رفت... تا این نکته را شنید، مرا سؤال‌پیچ کرد که چرا؟ بعدها که به آن تصویر ذهنی بارها نگاه کردم، اهمیت آن ماجرا برایم صدچندان شد: «فرمانده گردانی که راضی به انجام عملیات نبود، ولی به هیچ وجه از مسئولیت خود شانه خالی نکرد. او که در فردای روز عملیات تا آخرین دمادم جنگید و پیکر شهیدش در صحنه جاماند.» به اهمیت این فکت فقط دکتر نخعی، دوراندیشانه به آن وقوف پیدا کرده بود وگرنه در لابه لای انبوه اخبار و حوادث، ناگفته و پنهان می‌ماند. در چهارمین سالگرد درگذشت آن مرحوم از خداوند منان می‌خواهیم که روحش با شهدای صدر اسلام و جنگ تحمیلی قرین گردد و ما همچنان قدردان وجود معنوی استادمان باشیم تا از تمام دستاوردهای نوشته شده و نانوشته او بهره ببریم. (یادآور می‌شود که در اینجا فقط به آن بخش از زندگی تحقیقاتی دکتر نخعی بسنده گردید که مرتبط با جنگ است).

گزارش کتاب

مروری بر تازه های نشر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در چهلمین سالگرد دفاع مقدس با اهتمام پژوهشگران و راویان و کارشناسان مرکز هرهفته از آثار تحقیقاتی و اسنادی منحصربه‌فردی که در اختیار دارد به‌عنوان سرمایه‌های جنگ رونمایی می کند؛ در ادامه به معرفی چند اثر از این مجموعه که در هفته‌های گذشته رونمایی شده‌اند، می پردازیم.

■ **«طبیب زندان دوله‌تو»، روایتی از نقش پزشکان در سال‌های دفاع مقدس**

در بخشی از کتاب «طبیب زندان دوله تو» به موضوعات تخصص بهداری در جنگ مانند بهداشت در جنگ، مواجهه با عوامل ناشناخته شیمیایی، درمان مصدومان شیمیایی و تحقیقات برای کمک به مجروحان جنگ پرداخته شده است. توجه به تاریخچه تشکیل و توسعه دانشگاه علوم پزشکی حضرت بقیه‌الله(عج) و نقش دکتر مسعود خاتمی در تأسیس این دانشگاه و توسعه بیمارستان‌های وابسته به آن و نقش مرکز تحقیقات بیولوژیک در شناسایی شهدا از دیگر موضوع هایی است که در این کتاب مطرح شده است.

■ **«با نوای کاروان»، نگاهی به تجلیل و تکریم نقش مداحان و ذاکران در جبهه ها**

کتاب تاریخ شفاهی حاج صادق آهنگران با عنوان «با نوای کاروان» اثر دیگری است که در سال ۱۳۹۹ توسط انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس منتشر شده است. مجری تاریخ شفاهی حاج صادق آهنگران، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدمهدی بهداروند است. معرفی ابعاد شخصیتی و نقش مهم راوی در دفاع مقدس، تجلیل و تکریم از نقش مداحان و ذاکران در آن سال‌ها و تأکید بر نقش خانواده ایشان در همراهی و همسنگری با وی از نکات مهم و با اهمیت است که در این کتاب به آنها پرداخته شده است. محتوای کتاب شامل شش بخش اصلی است؛ بخش اول از تولد تا آغاز جنگ تحمیلی، بخش دوم دوره رشد و بالندگی در بستر جنگ تحمیلی، بخش سوم گونه‌شناسی و مناسبت‌شناسی نوحه‌ها، بخش چهارم از شخصیت‌های تأثیرگذار در مسیر زندگی ایشان، بخش پنجم فعالیت‌های فرهنگی برون‌مرزی و بخش ششم شخصیت و عملکرد حاج صادق آهنگران از منظر مسئولان تبلیغات جبهه و جنگ آن دوره است؛ در انتهای کتاب نیز آلبوم تصاویر حضور ایشان در جبهه اضافه شده است.

■ **اطلس «لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) در دوران دفاع مقدس»، خلاصه‌ای از عملکرد آفندی لشکر**

اطلس «لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) در دوران دفاع مقدس» نیز اثری است که به بررسی نقش و عملکرد این لشکر و حماسه‌آفرینی رزمندگان و فرماندهان آن در طول هشت سال دفاع مقدس می‌پردازد. لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) در طول هشت سال دفاع مقدس در ۱۷ نبرد مستقیم، سه نبرد تحت امر و ۲۸ عملیات پدافندی در جبهه‌های شمال‌غرب و جنوب، نقش مؤثری ایفا کرد؛ در این کتاب که توسط نادر زارع‌زاده در هفت فصل نوشته شده، خلاصه‌ای از عملکرد آفندی لشکر در هشت سال دفاع مقدس به تصویر کشیده شده است.

در فصل‌های اول و دوم با عنوان‌های «تولد و تکامل» و «تمرین نبرد»، به چگونگی تأسیس و تولد یگان پرداخته شده است در فصل سوم با نام «شکوفایی یگان»، گسترش یگان از عملیات محرم تا عملیات والفجر ۴ بیان شده است. فصل چهارم با عنوان «شکوه فرماندهی»، به عملکرد لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) در عملیات خیبر، بدر، عاشورای ۲ و والفجر ۸ می‌پردازد و در فصل پنجم با نام «اوج قدرت»، کارنامه موفق لشکر در عملیات کربلای ۱ تا ۵ به تصویر کشیده شده است. «ادای تکلیف» عنوان فصل ششم است که به مأموریت‌های لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) در عملیات کربلای ۸، والفجر ۱۰ و مرصاد می‌پردازد. فصل پایانی هم «روایت حماسه» نام دارد که به فعالیت‌های پس از جنگ لشکر اشاره شده است.

■ **بررسی جنگ شهرها و تشدید بمباران‌ها در «بازتاب جهانی کربلای ۵»**

اثر بعدی جلد دوم از روزشمار چهل و ششم جنگ ایران و عراق با عنوان «بازتاب جهانی کربلای ۵» است که شامل ۶۰۹ گزارش درباره جنگ و موضوع های مربوط به دوره زمانی ۱۳۶۵/۱۱/۴ تا ۱۳۶۵/۱۱/۳۰ است.

ابوالقاسم حبیبی و سعید حصاری نویسندگان این کتاب کوشیده‌اند به موضوع های مختلف در حوزه ادامه عملیات کربلای ۵؛ جنگ شهرها و بازتاب‌های خبری و تفسیری آن، مواضع و اقدامات دولت‌ها، شخصیت‌ها و محافل سیاسی و بین‌المللی در مورد جنگ؛ رویدادهای مهم داخلی و خارجی دو کشور درگیر جنگ؛ تحولات منطقه‌ای و جهانی تأثیرگذار بر روند جنگ بپردازند. اصلی‌ترین موضوع های کتاب عبارت‌اند از: روند حوادث پس از توقف عملیات کربلای ۵، جنگ شهرها و تشدید بمباران‌ها، مقاومت مردم در برابر بمباران با ساخت پناهگاه، آوارگان جنگ، عملیات کربلای ۵ در نگاه رسانه‌های بین‌المللی، اجلاس سران کشورهای اسلامی در کویت، تلاش‌های بین‌المللی برای برقراری صلح، اعزام نیرو به جبهه و تشکیل سپاه یکصد هزار نفری حضرت مهدی، کمک‌های مردمی به جبهه، پیامدهای افشای ماجرای مک فارلین، روابط ایران با کشورهای خارجی، قاچاق سلاح به ایران، گروگانگیری اتباع کشورهای غربی در لبنان، محاصره اردوگاه‌های فلسطینیان در لبنان از سوی جنبش امل.

■ **«اتحادشوم؛ اسناد رسمی همکاری امریکا با رژیم صدام در جنگ تحمیلی» از پشت پرده حامیان ارتش عراق در جنگ با ایران می گوید**

کتاب دیگر تازه منتشر شده در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس **«اتحادشوم؛ اسناد رسمی همکاری امریکا با رژیم صدام در جنگ تحمیلی (سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ میلادی)»** به نویسندگی خانم جویس بتل است و توسط مجید کریمی از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. در این مجموعه اسناد، کوشش نگارنده بر آن بوده که هر سند را در سه دسته‌بندی موضوعی جای دهد؛ ترجمه اصل متن، توضیح خانم جویس بتل و توضیح نگارنده کتاب است به‌طوری که این توضیحات مبتنی بر مدارک و اسناد مکمل و برای نشان دادن اهمیت سند اضافه شده است؛ با بررسی مجموعه اسناد این کتاب، پژوهشگران درک بهتری از پشت پرده حامیان ارتش عراق در جنگ با ایران به دست خواهند آورد و البته مناسبات سیاسی ظالمانه و ریاکارانه امریکا را نیز آشکار می‌گرداند.

اسناد گزیده آرشیو ملی امریکا نشان می‌دهد که چرا و چگونه امریکا و عراق به یکدیگر نزدیک شده و ایران و امریکا نیز همزمان از هم دور شدند. اسناد آرشیو ملی امریکا می‌تواند منبع خوب و تازه‌ای برای روشن شدن زوایای مبهم جنگ ایران و عراق بویژه بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ توسط عراق باشد. نکته مهمی که از روح کلی این اسناد دریافت می‌شود، اینکه امریکا هرگز چه در اوایل جنگ و چه در میانه و سرانجام پایان جنگ بی‌طرف نبود و برخلاف ادعاهای خود بر پایه این اسناد در مواجهه با رویدادهای جنگ ایران و عراق در شورای امنیت بی‌طرفی را نقض کرد.